

## چکیده کتاب "معماری نوین"

لوکوربوزیه

نوشته خسرو زارع. دانشجوی کارشناسی معماری

زیبا شناسی و معماری برای مهندسان

لوکوربوزیه در این کتاب خود زیبایی و معماری را ۲ مقوله همسو و هم جهت می‌داند که از دل یکدیگر زاده می‌شوند. او از نظم صحبت می‌کند و می‌گوید: معمار با مرتب کردن فرم‌ها نظمی را شکل می‌دهد که آفریده ناب روح اوست. او ابزار (گاری، لوکوموتیو، ...) را نتیجه توسعه و موفقیت می‌داند. می‌گوید تلاش همه فصلها در ابزار خلاصه می‌شوند. کولوربوزیه می‌گوید: شهرهای شاد محصولی از مردمان شاد است و منظورش همان شهرهایی هستند که دارای معماریند. معماری را در همه جا می‌توان یافت، خانه‌ها، خیابان‌ها را می‌سازند و خیابانها شهر را و شهر شخصیتی است که دارای روح است شهر می‌تواند احساس کند، رنج بکشد، تعجب کند.

معماری اینست: آنچیزی که تجسم و احساس را با خود حمل می‌کند. معماری را باید از قلمرو معماری و از ب بسم ... شروع کرده. معماری را باید از عناصر متعدد آغاز کرد، عناصری که احساس ما را متاثر می‌کند و تمایل چشمان ما را برآورده سازد این عناصر را باید چنان بکار گرفت که رویت آنها فوراً ما را متاثر کند، حال یا با ظرافت یا خشونت، با آشفتنگی یا با وضوح، با تفاوت یا با جاذبه‌شان. منظور لوکوربوزیه از عناصر همان عناصر تجسمی‌اند و در اینجا نظرش فرم‌ها هستند.

کوربو(لوکوربوزیه) در ادامه قسمت اعظم دردسری که گریبانگیر معماری است را به گردن مشتری می‌داند به گردن آدمی که دستور می‌دهد، انتخاب می‌کند و تغییر می‌دهد و همان شخصی که پول می‌دهد، به آنان اعتراض می‌کند و منظورش بیشتر همان تاجرها و بانکداران و دم کلفت‌ها هستند. و به ما باید فهمانده شود که اینها حقایق آشکارند، و این حماقت نیست که برای روشن کردن قضایا شتاب کنیم. آخر سر مایه خوشحالی است که بعد از صحبت از فروشگاه‌ها، ماشینها و آسمانخراشها درباره معماری هم حرفی بزنیم.

معماری چیزی هنری است، پدیده‌ای است از احساسات و انگیزه‌ها که در فراسوی چون و چراهای ساختمان‌سازی جریان دارد. (مقصود از ساختمان‌سازی قرار دادن چیزهایی همچون دیوار سقف و ... است و مقصود از معماری چیزی که ما را به جنبش آورد)، معماری یعنی هماهنگی، یعنی آفرینش ناب روح.

### ۳ چیز مهم برای معماران

۱- توده:

لوکوربوزیه: معماری بازی با شکوه و درست توده و حجم در زیر نور است. مکعب و استوانه و مخروط و کره فرمهای اولیه هستند به خاطر سادگیشان همه از عام و خاص آنها را دوست دارند. او می‌گوید معماری یونان و روم و مصر بر منشورها و مکعبها و مخروطها و استوانه‌ها استوار است ولی معماری گوتیک به آنها تکیه نکرده و در اصل دارای هندسه‌ای پیچیده است. لوکوربوزیه معتقد است معماران امروز در آبهای استرلیزه‌ای به نام پلان غرق شده‌اند و هیچکدام از کارهای آنها رنگ و بویی از توده‌ها و فرمهای اولیه را ندارد و آنها هرگز در مدرسه این چیزها را یاد نگرفته‌اند.

2- سطح:

کوربو در این بخش می‌گوید: دومین چیز مهم برای معماران سطح است. که توده را روی خود جای داده. سطحی که خطوط اصلی یک توده را شکل می‌دهد. این سطح است که به توده معنا می‌دهد. و هدف معماری این است که به سطوحی که روی توده را پوشش می‌دهند جان بخشد و نه اینکه سطوح به آفتی تبدیل شود و توده را به نفع خود جذب کند و بگواراند.

مدل دادن به سطح مسطح یک فورم اولیه و ساده به معنی درخواست یک رقیب برای توده است و در اینجا با تناقض رو به رو هستید مانند بلوار راسپی. مدل دادن به سطح توده‌هایی که به خودی خود پیچیده‌اند و دارای هارمونی شده‌اند به معنی معدلت طلبی و ماندن در درون توده است.

3- پلان:

لوکوربوزیه معتقد است شما بدون یک پلان فاقد نظم و تعمد خواهد بود. زندگی مدرن امروزی خواستار و در انتظار نوع جدیدی از پلان هم برای خانه و هم برای شهر است. پلان مولد و بارآورنده است پس بد به حال آنانکه فاقد خیالپردازی و تجسم هستند. بدون پلان نه

شکوهمندی هدف و نه بیان آن در ریتم و هماهنگی و توده بوجود می‌آید و نه ارتباط معقول. یک پلان خواستار یک تخیل فعال است عدم وجود نظم در پلان فقط ناآموختگان را می‌تواند بفریبد.

پلان‌های شهری طراحی شده توسط لوکوربوزیه دارای یک نظم سازمان یافته می‌باشد. او می‌گوید دگرگونی در عقب نشینی‌ها بازی نور و سایه را گسترش خواهد داد و این یکی از لوازم بیان معماری است. بتون مسلح انقلابی در زیبایی شناسی ساختمان به کار برده و با تبدیل بام به ترانس به یک زیبایی شناسی رسیده‌ایم که تا کنون ناشناخته بوده و معتقد است باید روی پلان مطالعه کنیم زیرا کلید این تکامل است.

تنظیم خطوط: یکی از عناصر اجتناب ناپذیر معماری:

لازمه تنظیم در معماری خطوط تنظیم کننده هستند و ضمانتی برعلیه خودسری می‌باشند. این خطوط رضایت را در ادراک ما می‌نشانند. خطوط تنظیم کننده وسیله‌ای برای رسیدن به هدف هستند اینها تنها دستورالعمل نیستند بلکه راهکاری برای بیان قسمت وسیعی از آفرینش معماریند.

یک خط تنظیم کننده تضمینی در برابر بوالهوسی است وسیله‌ای برای تایید همه کارهایی است که با شور و دلگرمی آفریده شده‌اند.

لوکوربوزیه در این زمینه مثالهایی نیز آورده مثلاً می‌گوید:

گنبد‌های آکمینا از بدیع‌ترین دستیافته‌های هندسی است. آنگاه که درک گنبد بواسطه احتیاجات شاعرانه نژاد این عصر آغاز شد و به واسطه داده‌های ساکن (استاتیک) اصول ساختمانی به آن پرداخته شد خطوط تنظیم کننده قد علم کرده و وحدت اصول هندسی را سبب شدند مانند اصل ۳ و ۴ و ۵ و مثلث فیثاغورث که اثر آن از رواق گرفته تا بالای طاق ادامه دارد.

لوکوربوزیه می‌گوید انسان امروزی هیچ چیز را به کار نمی‌گمارد و نتیجه آن می‌شود که بلوار راسپی بوجود آید. اما این انسان اعلام می‌کند که او شاعر آزاد است و غرایز او کفایت می‌کند. اما اینها خود را بواسطه حیل‌هایی که در مدرسه آموخته‌اند بیان می‌کنند!

چشمانی که نمی‌بینند - ۱ خطی‌ها «کشتی‌ها»

خانه یک ماشین است برای زندگی کردن. در آن حمام، خورشید، آب گرم، بهداشت، یک صندلی راحتی یک ماشین است برای نشستن ... زندگی مدرن ما هنگامی که ما فعال هستیم ابزار لازم خود را آفریده. عصر ما سبک خود را روز به روز تعیین می‌کند همین جاست در معرض دید ما. چشمانی که نمی‌بینند. ما باید یک سوء تفاهم را روشن کنیم. ما در حالتی که از بیماری هستیم، چرا که هنر را با حالتی از دکراسیون محض اشتباه می‌گیریم.

لوکوربوزیه در یادداشتی برای معماران در همین فصل اینگونه می‌گوید: یک ویلا در کنار دریا فکر کنید یکی از این کشتی‌های خطی یکی از این ویلاها هستند، این کشتی‌ها خیلی بهتر از آن ویلاها با سقفهای سفالی سنگین هستند، اما ممکن است ادعا شود این یک سبک نیست. یک معمار که به جدیت از مغز خود کار می‌کشد هر گاه به کشتی بخار یعنی آنچه نتیجه تفکر انسان است نگاه می‌کند، آزادگی خود را از جهل و رهایی از اسارت قرون گذشته را در آن می‌یابد و احترام به نیروهای طبیعت را به پاسداشت کاهلانه سنت‌ها ترجیح خواهد داد. او تفکرات ریز بینانه برای حل یک مسئله حاد و امروزی را قدمی اساسی در حل مشکلات زمان حال است ترجیح خواهد داد.

چشمانی که نمی‌بینند - ۲ هواپیما

لوکوربوزیه در این بخش از کتاب خود معتقد است که هواپیما محصول انتخاب دقیق است. درس هواپیما در ابتدا به شکلی نیست که خلق شده است و از همه مهمتر آنکه ما باید بیاموزیم که درون یک هواپیما را ببینیم نه یک چرنده یا یک سنجاقک بلکه یک ماشین برای پرواز. درس هواپیما در منطقی نهفته است که بر اعلام مسئله بود، یعنی همان چیز که به درک موفقیت آمیز آن راه می‌یافت هر گاه یک مسئله به صورت درست و مناسب بیان شود به طور قطع در عصر ما راه حل خود را خواهد یافت.

آرزو برای پرواز مانند یک پرونده بیان نادرست یک مسئله است به همین جهت هواپیمای ساخت (Ader) هرگز از زمین برنخواست. برای اختراع ماشین پرنده نباید به چیزی به جز مکانیک محض، جستجو برای روشهای تعلیق در هوا و وسایل پیش رانش در مغز داشته باشیم. به این می‌گویند بیان درست مسئله و کوربو معتقد است با این روش ظرف کمتر از ۱۰ سال همه دنیا می‌توانند پرواز کنند.

معماری امروز برآورده شرایط لازم و کافی مسئله نیست. دلیل آن است که مسئله آن گونه که معماری می‌خواهد بیان نشد. جنگی سودمند مانند آنچه در مورد هواپیما وجود داشت در کار نبوده.

چشمانی که نمی‌بینند. ۳- خودروها

لوکوربوزیه در این فصل اینگونه بیان میکند که ما باید به سوی تشبیت استانداردها نشانه رویم تا به کمال برسیم. پارتنون محصول انتخابی است که در آن استانداردها موجود بوده است. در این معبد یونانی در آن قرن در همه نقاط استاندارد بوده است هر گاه یک

استاندارد بوجود می‌آید، بلافاصله رقابت از راه رسیده و با خشونت وارد میدان می‌شود. این یک پرواز است، برای برد، در هر لحظه باید از رقیبتان بهتر عمل کنید.

اتومبیل چیزی است با عملکرد ساده ولی با مقولات پیچیده همه خودروها دارای ساختمانی تقریباً یکسانند اما بدلیل معقول رقابت توقف ناپذیر بین کارخانه‌های خودروسازی این اجبار بوجود می‌آید که هر کارخانه برای رسیدن به قله رقابت استاندارد عملی را به بهترین وجه رعایت کند.

معماری تحت تسلط استانداردها است. استانداردها حاصل منطق تجزیه و تحلیل و مطالعه دقیق هستند. اگر مسئله خانه، اسکان یا آپارتمان به همان روش اتومبیل مطالعه می‌شد ما سریعاً در مسئله خانه پیشرفت می‌کردیم اگر خانه‌ها به شیوه انبوه‌سازی صنعتی مانند خودرو ساخته می‌شدند ما به شکل‌های جدیدی از خانه می‌رسیدیم یک زیبایی شناسی نوین با دقتی تعجب‌آور فورموله می‌شد.

## معماری ۱ درس روم

لوکوربوزیه در این بخش از کتاب خود روم را یک نقطه عطف می‌داند و می‌گوید خورشید در آنجا چنان مهربان است. که همه چیز را به شفقت می‌خواند. و در مورد رومی‌ها می‌گوید: اگر کسی یونانیان را به یاد آورد شاید احساس کند رومی‌ها بد سلیقه و بد ذائقه‌اند. و در انتها می‌گوید بی‌شک روم شهری شلوغ و پر از دحام است.

### ۱- روم باستان

کوربو عقیده دارد روم باستان از لحاظ معماری چیزی برای نمایش نداشت، شهری پرازدحام، خانه‌هایی درهم رفته، طراحی شهر با نقشه بزرگی در کار نبوده پمپئی را باید دید که به آن نقشه چهار گوشه‌اش دلخوش است. آنها یونان را فتح کردند و مانند بربرهای خوب نظم کرینتی (قرنطی) را یافتند که بسیار زیباتر از سبک دوریک و بسیار آراسته‌تر بود. بعد از آن ویلای هادریان را ساختند. آنها واقعاً طراحی می‌کردند. این اولین مثال طراحی غرب در مقیاس وسیع است. رومیان روشهای ساخت را اختراع کردند و کارهای تاثیرگذاری انجام دادند. رومی‌ها سازندگان بزرگی بودند آنها گنبد‌های بسیار بزرگ یا پایه‌های نگهدارنده را همگی با ملات ساروج که به هم متصل شده بود را می‌ساختند که جملگی قابل احترامند.

### ۲- روم دوران بیزانس

کوربو می‌گوید: این معماری نوع جدیدی از معماری یونان است که در دوران بیزانس جان گرفت. یونانیان به روم آمدند. البته این یونان با فید یاس فاصله فراوانی گرفته بود ولی ریشه‌هایش همان بود. یونان بواسطه بیزانس روح ناب آفرینش را به ثمر نداشت. کوربو معتقد است چیزی وجود دارد که می‌تواند ما را در ریابد و آن مقیاس یا پیمایش است. میکلا آنتز مردی از هزاره قبل است آن چنانکه فید یاس مردی از هزاره‌های پیش‌تر از آن هزاره بوده. رنسانس، میکلا آنتز بوجود نمی‌آورد، تنها غوغای مردان مستعد را بوجود می‌آورد. به عقیده کوربو کار میکلا آنتز یک آفرینش است نه یک رنسانس این آفرینش اعصار کلاسیک را تحت شعاع قرار می‌دهد. محراب سن پیترز به سبک کرینتی (قرنطی) هستند.

### ۳- روم و ما

روم بازاری پر تب و تاب و یکی از بهترین آنهاست آنجا هر گونه وحشتی یافت می‌شود. از جمله زائقه بد رومی‌های دوران رنسانس. در روم ۴ قرن گمشده وجود دارد که بعد از میکلا آنتز به خواب رفته. درس روم برای مردان خردمند است. فرستادن دانشجویان معماری به روم مانند فرستان نوزادی بصورت سینه‌خیز به سوی زندگی است. ( در این بخش تاسف در بیان لوکوربوزیه نمایان است).

## معماری ۲ ابهام در پلان

لوکوربوزیه می‌گوید: پلان از درون به بیرون گسترش می‌یابد نما و بیرون نتیجه درون است. در مراحل طراحی پلان مانند سبد ایده‌هاست. تبدیل به ورق پاره‌ای شده که خطوط سیاه به معنی دیوار و خطوط دیگر به معنی آکس یا ... هستند. و این ورق پاره را به دیوار می‌چسبانند تا یک کار گرافیکی را نشان دهد و ابهام بصری بوجود آید. اکنون پلان مولد است. تعیین همه چیز با آن است.

بعد از آن به ترتیب و محور می‌پردازد و می‌گوید: محور شاید اولین چیزی است که انسان یاد گرفت او معتقد است ساختمانهای معماری همه نباید بر اساس محور مکان‌یابی و ساخته شوند. اگر چنین شود مثل آن است مردم بسیاری همه به یکباره صحبت کنند. و اکروپولیس را مثال می‌زند که همه ساختمانها در یک محور نیستند.

ترتیب یعنی درجه‌بندی محورها، پس به معنی درجه‌بندی اهداف و طبقه‌بندی نیت هم هست.

ابهام در پلانهای خوب قابل مشاهده است. فراموش نکنید در کشیدن و استخراج یک پلان چشم انسان است که نتیجه را داوری می‌کند. هنگامی که ما از ساختمان محض به سوی معماری حرکت می‌کنیم. در حال پرورش هدف بزرگی هستیم. از بیهودگی باید اجتناب شود بیهودگی است که سبب بیهودگی در معماری می‌شود.

### معماری ۳ آفرینش ناب ذهن

نما و پروفیل، سنگ محک معمارند. اینجاست که او نشان می‌دهد که معمار است یا یک مهندس محض. آنها و پروفیل آزاد از هر گونه اجبار و اضطرارند. اینجا دیگر پرسشی از آداب و سنن جای ندارد، نه از ساختمان و نه از تطبیق با نیازهای مصرفی سخنی می‌رود. پرفیل و نما آفرینش ناب ذهن هستند. اینان به دنبال یک هنرمند تجسمی‌اند. لوکوربوزیه در مورد پارتنون می‌گوید: ما باید به خاطر داشته باشیم که معماری دوریک با گل‌های نرگس در دشتهای نمی‌روید بلکه آفرینش ناب ذهن است. سیستم تجسمی آثار دوریک چنان ناب است که احساس یک کار طبیعی رامی‌بخشد. اما کماکان مخلوق آدمیزاد است و به ما حس کامل هارمونی می‌دهد. بیان کردن واضح، دادن یک وحدت زنده به کار، بخشیدن یک صورت و شخصیت (کاراکتر) موجه به آن، همه آفرینش ناب ذهن هستند. هنر آفرینش ناب روح است که نشان می‌دهد ما به چه ارتفاع خاصی از آفرینش قادر به رسیدن هستیم و انسان از سادی بی حد و حصری که آفرینش احساس می‌کند، آگاه است.

### انبوه سازی خانه‌ها:

لوکوربوزیه به مسئله‌های موجود می‌پردازد و می‌گوید: مسئله خانه مسئله این عصر است. تولید انبوه مبنی تجزیه و تحلیل آزمایش است. ما باید روحیه تولید انبوه بیافرینیم. روحیه انبوه سازی خانه‌ها. روحیه زندگی در خانه‌های انبوه ساخته. خود لوکوربوزیه با بهره‌گیری از بتن مسلح گروهی از خانه‌های انبوه را ساخته در مورد ساخت آنها اینگونه بیان می‌کند. بتن از بالا در قاب ریخته می‌شود. یک خانه ظرف مدت ۳ روز ساخته می‌شود. همچون قطعه‌ای از ریخته‌گری بیرون می‌آید، ناگهان یک خانه آماده می‌شود. اگر خانه‌ای مانند خودرو درک شود و کارهای آن مانند کابین کشتی یا اتوبوس طراحی شود. احتیاجات واقعی اسکان می‌تواند بصورت فرمول در آید و راه‌حلهای آن کشف شود. ما باید به خانه به عنوان ماشین یا وسیله‌ای بنگریم که می‌توان در آن زیست.

### انقلاب یا معماری:

لوکوربوزیه در این فصل می‌گوید در هر زمینه از صنعت مسائل جدیدی بوجود آمده و ابزارهای جدیدی هم ساخته شده است که تا آنها را حل کند. اگر این حقیقت جدید را در برابر گذشته مطرح کنیم آنگاه انقلاب صورت گرفته است. و در ادامه می‌گوید صنعت ابزار خود را بوجود آورده. مشغله، آداب و سنن را اصلاح کرده. ساختمان‌سازی ابزار جدیدی یافته است. معماری خود را با قوانین جدیدی در مواجهه می‌بیند و اگر اوضاع جدید را رو به روی شرایط گذشته بگذارد، انقلاب را می‌بینید. و در آخر می‌گوید: جامعه پر است از امیال بزرگ برای چیزی که شاید بدست آید و شاید هم نه همه چیز در این همه نهفته است: همه چیز به تلاشی که می‌شود و به بذل و توجه به علائم هشدار بستگی دارد.

معماری یا انقلاب

از انقلاب می‌توان اجتناب کرد./.....

حاشیه نویسنده خلاصه :

لوکوربوزیه در این کتاب و صحبت‌هایش سعی در بلند کردن وبه ثمر رساندن روشی نو از معماری نه آنچه در گوتیک باروک و روکوکو و امثال آن میدید بود. او آکروپلیس رادوست داشت، فیدایس را میشناخت و پارتنون را می پرستید. تعریف لوکوربوزیه از معماری، دید لوکوربوزیه به معماری قابل ستایش و الگوبرداری است. ولی طرح‌های عملی‌ش نه برای ما (معماران سال ۲۰۱۰) بلکه برای همان معماران ۱۹۲۰-۱۹۳۰ می‌توانسته راهگشا باشد، آنهایی که با نظریات و پیشنهادات لوکوربوزیه و امثال او مثل رایت و نتوری و جانسون و میس و ... راه را هموار کردند و قافله معماری را به جلو راندند. به نظر اینجانب جالب است بدانیم که: آیا اگر آقای لوکوربوزیه آینده معماری (حال حاضر) را می‌دید چه نظری می‌داد. هنوز معتقد بود که معماران در آب‌های استیزه پلان غرق اند؟! یا نه. معماری راه کمال را می‌پیماید یا به بیراهه کشیده شده؟!؟

ولی آنچه مسلم است این است که:  
فصلی بزرگ آغاز شده

روحي جديد موجوديت يافته است.

م‌شکرم

خسرو زارع

۱۳۸۹/۱۲/۲۶

مرکز مطالعات حکمت، دانش و فن شهرسازی و معماری ایرانی اسلامی